

منتهای فوتبال

شکست تیم بی سرمربی  
مقابل قهرمان المپیک

هفته سوم لیگ ملت‌های والیبال سرانجام روز گذشته آغاز شد و تیم ملی والیبال ایران که چالش‌های بسیاری برای حضور در این هفته داشت، سرانجام بدون داشتن سرمربی خود روبه‌روی فرانسه قرار گرفت. هر چند اگر ویزای به‌روز عطایی هم صادر می‌شد و او خودش را به آنهم می‌رساند، باز هم تیم ملی ایران شانس زیادی برای برنده شدن مقابل قهرمان دوره گذشته المپیک نداشت. تیم ملی که چند ملی‌پوش خود از جمله امین اسماعیل‌نژاد، آمان صالحی و محمدطاهر وادی را هم به دلیل رد شدن ویزای شان در اختیار نداشت، با هدایت علیرضا طالع کبان مقابل فرانسه شکست سه بر صفر (۲۵ بر ۲۵، ۱۸ بر ۲۵، ۲۲ بر ۱۹) را متحمل شد تا هفته سوم هم با تلخ کامی برایش آغاز شود. تیم ملی کشورمان در این دیدار از نظر آماری وضعیت خوبی نداشت و فرانسه در تمامی آیت‌ها تیم‌پرتر میدان بود. فرانسه موفق شد ۳۹ امتیاز از جمله کسب کند در حالی که سهم ایران در این بخش ۳۰ امتیاز بود. دو تیم تنها در دفاع عملکرد مشابهی داشتند و هر کدام ۱۶ امتیاز از این طریق به دست آوردند. فرانسه در بخش سرویس هم عملکرد خوبی داشت و ۱۶ امتیاز مستقیم از این طریق به دست آورد اما ملی‌پوشان کشورمان تنها یک امتیاز در این بخش کسب کردند. همچنین فرانسه از اشتباهات ایران ۲۴ امتیاز به دست آورد و ایران ۲۲ امتیاز از طریق اشتباهات حریف کسب کرد. بلندقامتان ایران در بازی دوم از ساعت هفت صبح جمعه به مصاف بلغارستان می‌روند. به گفته محمد رضا ذورنی، برد و باخت تیم کشورمان در این هفته تأثیری در جایگاه والیبال ایران در لیگ ملت‌ها ندارد و نتایج کشورمان با مصوبه فدراسیون جهانی «فرز» شده است.



قلم قرمز روی نام کبانوش

روز گذشته آخرین مهلت اعلام اسامی تیم ملی وزنه‌برداری برای حضور در مسابقات قهرمانی جهان عربستان بود. آنچه که در این موضوع بسیار اهمیت داشت، جدال کبانوش رستمی و کادرفنی بود و در نهایت رستمی با تصمیم نواب نصیر شلال سرمربی تیم ملی از حضور در قهرمانی جهان خط خورد. شاید این برای نخستین بار بود که کبانوش رستمی از شروع تک‌رو و هایش سا چنین بر خورد جدی‌ای روبه‌رو می‌شود. کبانوش از پیش از المپیک، یوره جلدایی را در پیش گرفت اما این بار با شرکت نکردن در رکوردگیری تیم ملی که خط قرمز کادرفنی به حساب می‌آید، از گردونه مسابقات حذف شد. طبق قوانین فدراسیون جهانی، وزنه‌دارانی که قصد شرکت در المپیک پاریس را داشتند باید در مسابقات قهرمانی جهان عربستان شرکت می‌کردند و خط خوردن کبانوش از این رقابت‌ها به معنای تمام شدن المپیک برای این وزنه‌دار المپیک ایران بود. بعد از این تصمیم کبانوش سعی در تغییر نظر نصیر شلال داشت اما نه تلاش‌های او، نه واسطه‌گری برخی افراد و نه فشارهایی که به گفته انوشیروانی روی فدراسیون تأثیری روی نظر سرمربی نداشت. فدراسیون هم که از ابتدا مخالف ادامه تک‌روهای رستمی بود از تصمیم کادرفنی حمایت کرد تا این چنین کبانوش شاهد پایان کارش در مسیر رسیدن به المپیک پاریس باشد. حتی ادعای کبانوش مبنی بر سوختن سهمیه المپیک در دسته ۸۹ کیلوگرم با غیبتش در قهرمانی جهان نادرست بود. فدراسیون اعلام کرد طبق سیستم کسب سهمیه المپیک پاریس، ۱۰ نفر اول رنکینگ به همراه بهترین نفرات قره‌لاره سهمیه المپیک می‌گیرند. کبانوش در رده هفتم و مصطفی جوادی در رده ۱۴ قرار دارند و با توجه به اینکه جوادی در رنکینگ المپیک، در جایگاه دوم وزنه‌برداری ایران است بنابراین سهمیه المپیک در این دسته نمی‌سوزد. در نهایت حسین سلطانی در دسته ۸۱ مصطفی جوادی در دسته ۸۹، رضا دهن‌دار و رسول معتمدی در دسته ۱۰۲، امیر حقوفی و محمدرضا رازی در دسته ۹۶، مهدی کریمی، امیر عزیزی و پیمان جان در ۱۰۹، علی داودی و آیت شریفی در فوق سنگین در لیست اولیه قرار دارند که از بین این نفرات ۱۰ نفر در مسابقات قهرمانی جهان به میزبانی ریاض عربستان شرکت خواهند کرد.

سپاهان، تیمی که هر روز کامل تر می شود  
تابستان طلایی!

برمی‌گشت اما باشگاه، قرار داد او را دائمی کرد و این بازیکن را به خدمت گرفت. این هم یک تصمیم بسیار مهم دیگر برای سپاهانی‌ها بود. چرا که داشتن یک گلر در قوازه‌های نیازمند، می‌تواند سپاهان را به یک تیم مدعی برای بردن لیگ برتر تبدیل کند. پیام بدون تردید یکی از بهترین گلرهای لیگ برتر ایران به حساب می‌آید و هنوز می‌تواند سال‌های درخشان بیشتری در سپاهان داشته‌باشد.

**رامین وشهریار؛ ماندگاری باقرار داد دوساله**  
اگر به تابستان گذشته برگردیم، شرایط سپاهان چندان ایده‌آل به نظر نمی‌رسید. این تیم نفرات زیادی را در پنجره قبلی نقل و انتقالات از دست داد. چرا که قرار داد همه این نفرات به پایان رسیده بود. اگر گولسیانی و سروش رفیعی از سپاهان به پرسپولیس ملحق نمی‌شدند، آیا تیم یحیی می‌توانست قهرمانی لیگ را جشن بگیرد؟ سپاهانی‌ها اما به خوبی از این اتفاق درس گرفتند. رامین رضاییان فصل گذشته با باشگاه قرار داد دوساله بست و شهریار مغاللو نیز هنوز یک فصل دیگر باطلایی‌ها قرار داد دارد. خیلی‌ها تصور می‌کردند رامین بعد از آن فصل در خشان،

**حفظ مورایس؛ آینده روشن است**  
شاید مهم‌ترین کاری که مدیران سپاهان انجام دادند، امضای قرار داد چندساله با ژوزه مورایس بود. شاید اگر این مربی قرار داد یک‌ساله داشت، همین فصل تصمیم به جدایی می‌گرفت اما قرار دادی که بین او و سپاهان امضا شده بود، جلوی هر اتفاق دیگری را گرفت. از سمت مقابل، سپاهان هم تمایل بسسایر زیادی به حفظ این مربی داشت. حتی با این وجود که آنها فصل گذشته هیچ جامی به دست نیاوردند. شاید سپاهان با ژوزه جام نگرفته باشد اما عملکرد این تیم در فصل گذشته بسیار خوب بوده است. به نظر می‌رسد این مسیر درست می‌تواند آنها را در راه قهرمانی لیگ بیست و سوم قرار بدهد.

**پیام با سپاهان قرار داد قرضی یک‌ساله داشت و در شرایط عادی باید به لیگ برتری می‌گشت اما باشگاه، قرار داد او را دائمی کرد. چرا که داشتن یک گلر در قوازه‌های نیازمند، می‌تواند سپاهان را به یک تیم مدعی برای بردن لیگ برتر تبدیل کند**



این ستاره را هم جذب کرد. با این حساب، فاز هجومی تیم اصفهانی فوق‌العاده قدرتمند شده است. ترافیک در خط حمله این تیم، تقریباً هر دوری در لیگ برتر بیشتر است.

**خریده‌های دیگری در راهند؟**  
به نظر می‌رسد فعالیت نقل و انتقالاتی سپاهان هنوز به پایان نرسیده باشد. این تیم احتمالاً در مرکز خط دفاعی بازیکن جدیدی خواهد خرید. ایمان سلیمی با سامان فلاح، گزینه‌های مهم سپاهان به شمار می‌روند. به احتمال زیاد باید منتظر ورود چند بازیکن خارجی نیز به این تیم باشیم. اتفاقی که برای خط هافبک سپاهان اصلاً دور از انتظار نیست. آنها با یک تیم کپکشان‌ی برای فصل جدید لیگ برتر آماده می‌شوند. به نظر می‌رسد سپاهان و تراکتور، شانس اصلی موفقیت در فصل جدید لیگ برتر باشند.

هر قیمتی، قهرمانی لیگ بیست و سوم را جشن بگیرد. سپاهان یک خرید بسیار جالب را نیز در بازار نقل و انتقالات انجام داده و کاوه رضایی را به خدمت گرفته است. با توجه به یک نیم فصل دوری کاوه از میادین، کمی زمان می‌برد تا او به فرم مطلوب برسد اما بدون شک این بازیکن هم انگیزه‌های بسیاری زیادی دارد تا خودش را در ترکیب طلایی هانشان بدهد.

**رضاء و دو خرید در خشان**  
سپاهان دو خرید مهم دیگر نیز در بازار نقل و انتقالات داشته است. رضا شکاری مورد توجه باشگاه‌های زیادی بود و سپاهان برای جذب او، هزینه قابل توجهی انجام داد. این فوتبالیست جوان پتانسیل تبدیل شدن به یکی از بهترین‌های لیگ برتر ایران را دارد. رضاء اسدی نیز در آستانه بازگشت به پرسپولیس بود و یحیی نیز تمایل زیادی به جذب او داشت اما سپاهان

راهی لیگ‌های عربی شود اما این بازیکن رسماً اعلام کرد که تحت قرارداد سپاهان است و جایی نمی‌رود. شهریار هم نسبت به ترک تیم بی‌میل نبود و از همین لیگ برتر ایران تا لیگ امارات، پیشنهادهای زیادی داشت اما نمی‌توانست با تصمیم خودش از تیم برود. حفظ بهترین پاسور و بهترین گلزن فصل گذشته سپاهان، یک موفقیت بزرگ دیگر برای ساکت و تیمش به شمار می‌رفت. این دو نفر بدون تردید در فصل جدید نیز چهره‌های بسیار مهمی برای سپاهان خواهند بود.

**امیدنور و کاوه؛ کوه‌های انگیزه**  
امید نورافکن یکی از مورد توجه‌ترین بازیکنان فصل گذشته لیگ برتر بود. او که قرار دادش را برای فصل با سپاهان نیز تمدید کرد، و اواخر لیگ بیست و دوم با یک مصاحبه خبر ساز شد. او تلاش زیادی خواهد کرد تا به

از بی میلی به سرمربیگری حرف زده بود. با این وجود کریم آن چهره‌ای بود که حتی بیشتر از سرمربی تیم، بازیکنان را آرام می‌کرد. بارها مهره‌های پرسپولیس کنترل‌شان را از دست دادند و در آستانه اخراج شدن از زمین قرار گرفتند و این باقاری بود که به موقع به آنها تشریح و دوش را برایش را تغییر داد. او یک بزرگ‌تر برای پرسپولیس‌ها به شمار می‌رفت و در باشگاه هیچ کس روی حرفش حرف نمی‌زد. شخصیت خاص و دستاوردهای بزرگ دومین گلزن برتر تاریخ تیم ملی نیز موجب شده او کاراکتری بسیار قابل احترام برای مهره‌های این تیم باشد. حالا اما دیگر باقاری روی نیمکت این تیم دیده نخواهد شد.

**سید جلال، کریم می‌شود؟**  
به گفته رضادرویش، قرار است سید جلال حسینی جانشین کریم باقاری در کادرفنی سرخ‌ها شود. سید جلال البته فصل گذشته هم دستیار یحیی بود اما به دلیل نداشتن کارت مربیگری، روی نیمکت حضور نداشت و بازی‌ها را از روی سکوها دنبال می‌کرد. در ویش از این موضوع صحبت کرده که در فصل جدید، سید جلال به جای کریم روی نیمکت پرسپولیس خواهد نشست اما این مساله هنوز ابهامات زیادی دارد. چرا که سید جلال در کلاس‌های مربیگری ب‌آسیا شرکت کرده و مدرک این کلاس را به دست آورده است. برای نشستن روی نیمکت یک تیم در لیگ برتر ایران امار سیدین به مدرک آسیا ضروری به نظر می‌رسد. در حقیقت سید جلال هنوز نمی‌تواند جانشین کریم شود. مگر اینکه در یک دوره فشرده، مدرک تازه‌ای را برای مربیگری به دست بیاورد.

**قدر نشناس، مثل پرسپولیس**  
قطع همکاری با کسی که قرار داشت به پایان رسیده، نظر و سلیقه باشگاه است اما نحوه اعلام جدایی باقاری، اصلاً دلچسب به نظر نمی‌رسید. نوع ادبانه‌ای که مدیر عامل باشگاه در مورد او انتخاب کرد نیز به هیچ وجه پسندیده نبود. در ویش می‌توانست تقدیر بیشتری از تأثیر باقاری روی تیمش نشان بدهد. باشگاه هم می‌توانست حداقل یک تصویر یادگوار از او به اشتراک بگذارد و پایان همکاری‌اش با این چهره محبوب را اعلام کند. اینکه مسائلی دخیل بوده تا کریم از پرسپولیس برود، انکار نشدنی به نظر نمی‌رسد اما لازم هم نیست که مدیر باشگاه این نوع ادبیات را در مورد باقاری انتخاب کند. کریم برای سال‌ها یکی از چهره‌های موثر پرسپولیس بود اما باشگاه قدرشناسی لازم را در مورد او انجام نداد. اتفاقی که پیش از این برای ستاره‌های زیادی در این باشگاه رقم خورده است.

**مخالفان کریم چه می‌گویند؟**  
در بین پرسپولیس‌ها، عده‌ای هم هستند که موافق جدایی کریم باقاری بودند. چرا که اعتقاد دارند نادین مربی، به لحاظ فنی چیز زیادی برای عرضه کردن در این باشگاه نداشت. در حقیقت باقاری در همه این سال‌ها هرگز یک عضو فنی در کادرفنی مربیگری فرمزها محسوب نمی‌شد. اگر هم هدف این باشد که بعد از سرمربی، جایگاه او به یکی از دستیارها برسد، کریم گزینه ایده‌آلی برای این کار محسوب نمی‌شد. چرا که بارها



برانکو آنقدر زیاد شده بود که حتی بعدها سرمربی کروات تیم ملی یعنی دراگان اسکوچیچ نیز تصمیم گرفت از کریم در کادرفنی‌اش استفاده کند. باقاری آن روزها به صورت هم‌زمان دستیار سرمربی پرسپولیس و دستیار سرمربی تیم ملی بود. علاوه بر برانکو، او در دوران کالدرون نیز دستیار ماند و اتفاقاً رابطه بسیار خوبی با مراد آرزوآنتینی برقرار کرد. در بازگشت یحیی به نیمکت قرمز هانیز کریم باقاری یک دستیار ایده‌آل برای او به شمار می‌رفت. چه چیزی در کریم وجود داشت که تا این اندازه محبوبیت او را در بین سرمربیان تیم بالا می‌برد؟ شاید در درجه اول، این مربی به خوبی هنر «فردوم» بودن را بلد بود. او هیچ علقه‌ای به سرمربی شدن نداشت. هیچ وقت جایگاه سرمربی تیم را تهدید نمی‌کرد، هرگز با سرمربی تیم به مشکل نمی‌خورد و اساساً تنها در حوزه مسئولیت خودش قدم برمی‌داشت. حالا اما دوران او در پرسپولیس به پایان رسیده است. هر چند که هیچ چیز نمی‌تواند کریم را از تیم محبوبش جدا کند.

آمدگی بسیار خوبی داشته است. دوم به این خاطر که شنیده می‌شود میسون در تمرین‌ها فوق‌العاده ظاهر می‌شود و سوم، به خاطر انعطافی که در مدل بازی‌اش نشان می‌دهد. یونایتد با اولین خرید تابستانی‌اش در این فصل چه شکلی خواهد شد؟ به نظر می‌رسد ماونت در دست بین کاسمیرو و برنوف قرار می‌گیرد. یک ترکیب جذاب سه نفره در مرکز زمین جایی که کاسمیرو درگیری‌ها را انجام می‌دهد، برنوف موقعیت‌سازی می‌کند و ماونت تعادل را برقرار خواهد کرد. او در واقع خط هافبک یونایتد را مثل یک زنجیر به هم متصل نگه می‌دارد. تن‌هاگ امیدوار است که این بازیکن ۶۰ میلیون یورویی ۲۴ ساله، همان گمشده بزرگ شیاطین سرخ در خط میانی باشد.

وقتی لمپارد سرمربی چلسی شد، ماونت هم با او به تیم اصلی باشگاه رسید و رویای کودکی‌اش به حقیقت پیوست. او یک بازیکن کلیدی در تیم جوان فرانک لمپارد بود. بازیکنی که یک سال بعد با هدایت توخل، لیگ قهرمانان اروپا را هم تصاحب کرد و بهترین روزهای ممکن را پشت سر گذاشت. رفتن آبراموویچ از چلسی اما شرایط این باشگاه را عوض کرد. باشگاهی که در یک پنجره ۶۰۰ میلیون یورویی خرید بازیکن هزینه می‌کند، طبیعتاً نظم‌ش را از دست می‌دهد. چلسی فصل گذشته بسیار آشفته به نظر می‌رسید و خیلی از مربیان لیگ برتری قصد داشتند از این فضا برای ربودن یکی از استعداد‌های مهم این تیم استفاده کنند. یورگن کلوپ اولین کسی بود که تلاش کرد ماونت را به تیمش ببرد اما مذاکره بین لیورپول و چلسی، نتیجه‌ای نداشت. بعدنوبت به میکل آرتتار رسید اما میسون حاضر نبود در لندن برای تیم دیگری بازی کند. مربی بعدی، رایک تن‌هاگ بود. کسی که کاملاً شیفته سبک بازی ماونت به نظر می‌رسید. تن‌هاگ به شدت به این فوتبالیست علاقه داشت. اول از همه به این خاطر که او ظرف سه سال، بیش از ۱۴۰ بازی برای چلسی انجام داده و همیشه

را به عهده داشت. وقتی لمپارد سرمربی چلسی شد، ماونت هم با او به تیم اصلی باشگاه رسید و رویای کودکی‌اش به حقیقت پیوست. او یک بازیکن کلیدی در تیم جوان فرانک لمپارد بود. بازیکنی که یک سال بعد با هدایت توخل، لیگ قهرمانان اروپا را هم تصاحب کرد و بهترین روزهای ممکن را پشت سر گذاشت. رفتن آبراموویچ از چلسی اما شرایط این باشگاه را عوض کرد. باشگاهی که در یک پنجره ۶۰۰ میلیون یورویی خرید بازیکن هزینه می‌کند، طبیعتاً نظم‌ش را از دست می‌دهد. چلسی فصل گذشته بسیار آشفته به نظر می‌رسید و خیلی از مربیان لیگ برتری قصد داشتند از این فضا برای ربودن یکی از استعداد‌های مهم این تیم استفاده کنند. یورگن کلوپ اولین کسی بود که تلاش کرد ماونت را به تیمش ببرد اما مذاکره بین لیورپول و چلسی، نتیجه‌ای نداشت. بعدنوبت به میکل آرتتار رسید اما میسون حاضر نبود در لندن برای تیم دیگری بازی کند. مربی بعدی، رایک تن‌هاگ بود. کسی که کاملاً شیفته سبک بازی ماونت به نظر می‌رسید. تن‌هاگ به شدت به این فوتبالیست علاقه داشت. اول از همه به این خاطر که او ظرف سه سال، بیش از ۱۴۰ بازی برای چلسی انجام داده و همیشه

**میسون رویای کودکی را ترک می‌کند**  
**زندگی جای دیگری است!**  
چرا خبر انتقال میسون ماونت از چلسی به یونایتد تا این اندازه در دنیای فوتبال سروصدا راه انداخته است؟ چرا مطبوعات انگلیسی تا این اندازه به این انتقال اهمیت می‌دهند؟ به نظر می‌رسد دلیل این موج بزرگ، سابقه طولانی ماونت در باشگاه چلسی باشد. او زمانی که چلسی پیوست که آبراموویچ تازه از راه رسیده بود و نقشه‌های جاه طلبانه زیادی برای باشگاه داشت. میسون آن روزها یک پسر بی‌چهره در تیم‌های پایه چلسی بود و همه سال‌ها بعد از آن طوفانی از این باشگاه سپری کرد. او برای یک فصل به ویسته در فوتبال هلند قرض داده شد و سپس به صورت قرضی به دربی کانتی رفت. تیمی که فرانک لمپارد هدایتش

اتفاق روز

میسون رویای کودکی را ترک می‌کند

زندگی جای دیگری است!